الخامس

نجم
سحر

سحر

١

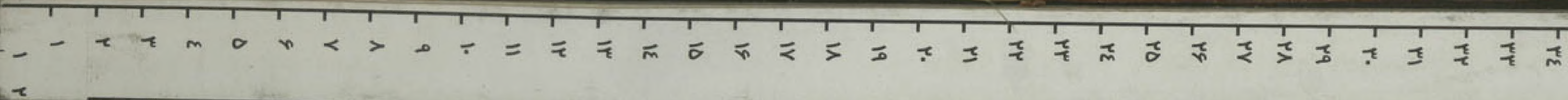
الخامس
نجم

٥

الخامس

بخم
سخمر
سمر بحمر
١

الخامس
بحم






وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ

وشوي‌مندان از زنان مگر آنکه پادشا هست

أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ

بران حکم کتاب خداي بر شما وحلال کرد

لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا

شما را اي جدا از انست شما را که بجويد

بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ

بخواسته شما باکان باشيد نه پليدان وزناکستکان




فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ

اي برخورداري کيريد شما زنان از ايشان بدهيد ايشان را

أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

کاوينها ايشان واجب کرده وبستي نکي بر شما

فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ

در آنچ بسند کار شويد ميان از پس فريضه

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا وَمَنْ

که خداي هست دانا درست کار درست کنندا وهر که

لم يستطع منكم طولا ان ينكح

نه تواند از شما افزونی که بزنی کند

المحصنات المؤمنات فمن ما

زنان پاک آزاد گرویدگان از آنچه

ملكت ايمانكم من فتياتكم المؤ
منات

پادشاه شد دستهای شما از کنیزکان شما گرویدگان

والله اعلم بايمانكم بعضكم

و خدای داناتر است با ایمان شما برخی شما

من بعض فانكحوهن باذن اهلهن

از برخی بزنی کنید ایشان را بفرمان خداوندان ایشان

وآتوهن اجورهن بالمعروف

و دهید ایشان را کاوینهاء ایشان به نیکوی

محصنات غير مسافحات ولا

پاکیزگان نه زنا کنندگان نه

متخذات اخدان فاذا احصن

و گیرندگان دوستکان چون پاکیزه باشند

فان اتين بفاحشة فعليهن

اگر آرند بلیدی بر ایشان باشد

نصف ما على المحصنات من العذاب

نیمی آنچه بر زنان آزاد باشد از عذاب

ذلك لمن خشي العنت منكم وان

ان انراست كه بترسد رنج ازشما واگر

تصبروا خير لكم والله غفور

صبر كنيد بهتر شمارا وخداي آمرزگار



رحيم ● يريد الله ليبين لكم

وبخشاينده است مي خواهد خداي كه بيدا كند شما

ويهديكم سنن الذين من قبلكم

وراه نمايد شمارا راه آنان كه ازپيش شما بودند

ويتوب عليكم والله عليم حكيم

وتوبه دهد برشما وخداي داناست راست كردار كننده

والله يريد ان يتوب عليكم ويريد

وخداي مي خواهد كه توبه دهد برشما ومي خواهد

الذين يتبعون الشهوات ان

آنان كه پس روي كردند شهوات را كه

تميلوا ميلا عظيما ● يريد الله ان

بگرديد گشتني بزرگ مي خواهد خداي كه

يخفف عنكم وخلق الانسان

سبك كند ازشما وبيافريد آدمي را

ضعيفا ● يا ايها الذين آمنوا لا

سست اي آنان كه بگرويدند مه

تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل

خوريد مالهاء شما ميان شما بناحق

إلا أن تكون تجارة عن تراض منكم

مكر كه باشد بازاركاني از خشنودي از شما

ولا تقتلوا أنفسكم إن الله كان بكم

ومكشيد تنهاخويشرا كه خداي هست بشما

رحيما ۝ ومن يفعل ذلك عدوانا

بخشاينده وهركه كند آن بدشمنان

وظلما فسوف نصليه نارا وكان

وستم زود بود كه اندرارند اورا در آتش وهست



ذلك على الله يسيرا ۝ إن تجتنبوا

آن بر خداي آسان اكر بپرهيزيد

كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم

از كناهان بزرك انچ بازنه زده شمارا ازو بپوشانيم از شما

سيئاتكم وندخلكم مدخلا كريما

بديها شما ودرارم شمارا دراوردني نيكو ابد

ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضكم

وآرزو مكنيد انچ فضل كرد خداي بزان برخي را از شما

على بعض للرجال نصيب مما اكتسبوا

بر برخي مردانرا بهره است ازانچ ساختند

وللنساء نصيب مما اكتسبن

و زنان را بهره است از آنچ ساختند

وسئلوا الله من فضله ان الله

و خواهید از خدای از فضل او که خدای

كان بكل شيء عليما ولكل

هست همه چیز دانا و هر کسی را

جعلنا موالي مما ترك الوالدان

کردیم دوستان از آنچ کذاشت مادر و پدر

والاقربون والذين عقدت ايمانكم

و خویشان و آنکسانی که بست دستهای شما

فآتوهم نصيبهم ان الله كان على

پس دهیدشان را بهره ایشان که خدای هست بر

كل شيء شهيدا الرجال قوامون

همه چیز گواه مردان کماسکان

على النساء بما فضل الله بعضهم

بر زنان بدانچ فضل نهاد خدای برخی را ز ایشان

على بعض وبما انفقوا من اموالهم

بر برخی و بدانچ هزینه کردند از خواستهاء خویش

فالصالحات قانتات حافظات

زنان سامان فرمان برداران نگاه داران

لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللّٰهُ وَاللَّاتِي

دارو نهان بدانچ نگاه داشت خداي وان زنان كه

تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ

ترسيد از نافرماني ايشان پند دهيد ايشانرا

اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ

وببريد از ايشان در بستر جايگاهها وبزنيد ايشانرا

فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ

اگر فرمان برند شمارا مه جويد بر ايشان

سَبِيلًا إِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا

راهي كه خداي هست برتر وبزرگتر

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا

واگر ترسيد شما خلاف ميان شوي و زن بفرستيد

حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا

داوري از كار مرد وداوري از كسان زن

إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللّٰهُ بَيْنَهُمَا

اگر خواهند كه سامان شوند سازگار كند خداي ميان ايشان



إِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا وَاعْبُدُوا

كه خداي هست دانا وبينا وبپرستيد

اللّٰهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ

خدايرا وانباز مگيريد با او چيزي وبا مادر و پدر

إحسانا وبذي القربى واليتامى
نكويي كردن با خويشاوند خويشي ويتيمان

والمساكين والجار ذي القربى
ودرويشان وهمسايه خويشان

والجار الجنب والصاحب بالجنب
وهمسايه بيگانه وياري كه پهلو نشست

وابن السبيل وما ملكت أيمانكم
وراه گذرندي وانچه پادشا است دستهاتان

إن الله لا يحب من كان مختالا فخورا
كه خداي دوست ندارد انرا كه باشد كشنده نازنده

إن الذين يبخلون ويأمرون الناس
انان كه بخيلي مي كنند ومي فرمايند مردمانرا

بالبخل ويكتمون ما آتاهم الله من
بخيلي ومي پوشند انچه داد ايشانرا خداي از

فضله وأعتدنا للكافرين عذابا
فضل خويش وساختيم ما كافرانرا عذاب

مهينا والذين ينفقون أموالهم
خوار كننده وانان كه هزينه مي كنند خواستها ايشان

رئاء الناس ولا يؤمنون بالله ولا
بنمود مردمان ونه مي گروند بخداي ونه

بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ

بروز رستخیز وهرکی باشد دیو

لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ۝ وَمَاذَا عَلَيْهِمْ

اورا یاری بد یاری است وچیست برایشان

لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

اگر بگرویدندی بخدای وروز بسین

وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ

وهزینه کنند ازانچ روزی کرد ایشانرا خدای وهست

اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ

خدای بدیشان دانا که خدای ستم نکند

مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا

بسنگ مورچه خرد واگر باشد نیکی بدو کرده اندرابرا



وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ فَكَيْفَ

وبدهد از نزدیک او مزد بزرگ چگونه

إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ

چون بیاریم از هر امتی گواهی وبیاریم ترا

عَلَى هَٰؤُلَاءِ شَهِيدًا ۝ يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ

بر اینان گواه آن روز کامخواهد

الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ

اینان که کافر شدند ونافرمانی کردند پیغامبر

لو تسوى بهم الارض ولا يكتمون

اگر راست كرده شود ايشان زمين وپنهان نكنند

الله حديثا ۝ يا ايها الذين آمنوا

از خداي سخني اي انانكه گرويديد

لا تقربوا الصلوة وانتم سكارى

نزديكي مكني بنماز وشما مستان

حتى تعلموا ما تقولون ولا جنبا

تا بدانيد انچه ميگوئيد ونه جنب

الا عابرى سبيل حتى تغتسلوا وان

مگر گذرندگان راه تا غسل كنيد واگر

كنتم مرضى او على سفر او جاء

باشيد بيماران يا بر سفر يا ايد

احد منكم من الغائط او لمستم

يكي از شما از جاي حدث كردن يا دست فراكرده باشيد فرا زنان

النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا

ونه يابيد اب را تيمم كنيد

صعيدا طيبا فامسحوا بوجوهكم

خاك مرم پاك بماليد بروهاي خويش

وايديكم ان الله كان عفوا غفورا

ودستهاي خويش كه خداي هست در گذارنده امرزنده

ألم تر إلى الذين أوتوا نصيبا من

نه بيني سوي آن كساني كه دادند اندازه‌اي از

الكتاب يشترون الضلالة ويريدون

كتاب مي‌خرند بي‌راهي را و مي‌خواهند

أن تضلوا السبيل ۝ والله أعلم

كه گم شويد از راه وخداي داناتر است

بأعدائكم وكفى بالله وليا وكفى

بدشمنان شما و بسنده بود بخداي يار و بسنده بود

بالله نصيرا ۝ من الذين هادوا



بخداي نصرت‌گر از آنانك جهود شدند

يحرفون الكلم عن مواضعه

مي‌گردانند سخن را از جايگاهها آن

ويقولون سمعنا وعصينا واسمع

و مي‌گويند شنوديم ما و در فرمان نيم و بشنو

غير مسمع وراعنا ليا بألسنتهم

كه شنوا مشو و مي‌گويند مراعات كن ما را گردانيدن زبانهاء ايشان

وطعنا في الدين ولو أنهم قالوا

و طعنه كردن در دين و اگر ايشان گفتندي

سمعنا وأطعنا واسمع وانظرنا

شنوديم و فرمان برديم و بشنو و بنگر ما

لكان خيرا لهم واقوم ولكن لعنهم
بوذي بهتر ايشانرا وراست‌تر ولكن نفرين كرد ايشانرا

الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا
خداي بكفر ايشان نمي‌گروند مگر اندك

يا ايها الذين اوتوا الكتاب آمنوا
اي آنان كه دادند ايشانرا كتاب بگرويد

بما نزلنا مصدقا لما معكم من قبل
بدانچه فرستاديم ما باور دارنده آنرا كه با شماست از پيش

ان نطمس وجوها فنردها على
آنك محو كنيم روبها را باز گردانيم آن بر

ادبارها او نلعنهم كما لعنا اصحاب
بپشتهاي ايشان يا نفرين كنيم ايشانرا چنانچه نفرين كرديم خداوندان

السبت وكان امر الله مفعولا
شنبه را وباشد فرمان خداي كرده

ان الله لا يغفر ان يشرك به ويغفر
كه خداي نيامرزد آنرا كه انباز كيرد باو ويامرزد

ما دون ذلك لمن يشاء ومن يشرك
انچ فروذ است آنرا كه خواهد وهركه انباز كيرد

بالله فقد افترى اثما عظيما
بخداي بدرستي كه فرا بافت بزه بزرك

الم تر الى الذين يزكون انفسهم

بانه بيني بسوي آنان كه پاكيزه كويند خويشتنرا

بل الله يزكي من يشاء ولا يظلمون فتيلا

نه كه خداي پاك كند آنرا كه خواهد و ستم نكنند

انظر كيف يفترون على الله الكذب

بنكر چگونه فرا مي بافند بر خداي دروغ



وكفى به اثما مبينا الم تر الى الذين

و بسنده است بدان بزه روشن نه بيني سوي آنانكه

اوتوا نصيبا من الكتاب يؤمنون

داده اند ايشانرا بهره از كتاب كه مي گروند

بالجبت والطاغوت ويقولون

و ميكويند

للذين كفروا هؤلاء اهدى من الذين

آنانرا كه كافر شدند ايشان راه‌يافته‌تر از آنانكه

آمنوا سبيلا اولئك الذين

بگرويدند براهي ايشان آنانكه

لعنهم الله ومن يلعن الله فلن

نفرين كرد ايشانرا خداي و هر كه نفرين كرد اورا خداي نه

تجد له نصيرا ام لهم نصيب من

يابي اورا يار

الْمُلْكِ فَإِذًا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا ۝
پادشاهی آنگاه ندهند مردمانرا

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ
یا حسد می‌کنند مردمانرا بر آنچه دادشانرا خدای

مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ
از فضل خویش بدرستی که دادیم گروه ابراهیم را کتاب

وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ۝
و حکمت و دادیم ایشانرا پادشاهی بزرک

فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ
از ایشان آنک بگروید بدو و از ایشان کس بود که گردید ازو



وَكَفَى بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ
و بسنده است دوزخ آتش سوزنده که آنان که

كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا
کافر شدند بآیتهای ما زود بود که دراریم ایشانرا در آتشی

كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا
هر گاه که سوخته شود پوستهای ایشان بدل کردانیم ایشانرا پوستها

غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ
جز آن تا بچشند عذاب که خدای

كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا
هست غالب حکیم و آنان که بگرویدند

وعملوا الصالحات سندخلهم جنات

وکردند نیکیها زود بود که در آریم ایشان را در بهشتها

تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها

می رود از زیران جویها جاویدان در آنجا

أبدا لهم فيها أزواج مطهرة وندخلهم

همیشه ایشان راست در آنجا زنانی پاکی کرده و در آریم ایشان را

ظلا ظليلا ۝ إن الله يأمركم أن تؤدوا

در سایه همیشه سایه خدای می فرماید شما را که بگزارید

الأمانات إلى أهلها وإذا حكمتم

امانتها را بخداوندان آن و چون داوری کنید

بين الناس أن تحكموا بالعدل إن

میان مردمان که داوری کنید براستی که

الله نعما يعظكم به إن الله كان سميعا

خدای نیک پند میدهد شما را که خدای هست شنوا

بصيرا ۝ يا أيها الذين آمنوا أطيعوا

وبینا ای آنان که بگرویدند فرمان برید

الله وأطيعوا الرسول وأولي

خدای را و فرمان برید پیغامبر را و خداوندان

الأمر منكم فإن تنازعتم في شيء

کار را از شما اگر خلاف کنید در چیزی

فردوه الى الله والرسول ان
بازگردانید آنرا سوی خدای وپیغامبر اگر
كنتم تؤمنون بالله واليوم الآخر
هستید می گروید بخدای وروز واپسین
ذلك خير واحسن تاويلا ۝ الم تر
آن بهتر ونیکوتر عاقبت باز نه بینی
الى الذين يزعمون انهم آمنوا بما
سوی آنان که دعوی می کنند که ایشان بگرویدند بدانچ
انزل اليك وما انزل من قبلك
فرستادند بتو وبانچ فرستادند از پیش تو

يريدون ان يتحاكموا الى الطاغوت
می خواهند که داوری کنند
وقد امروا ان يكفروا به ويريد
وفرموده اند ایشانرا که کافر شوند بدو ومی خواهد
الشيطان ان يضلهم ضلالا بعيدا ۝ 
دیو که بی راه کند ایشانرا بی راه کردن دور
واذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل
وچون گفتند ایشانرا بیایید بانچ فرستاد
الله والى الرسول رايت
خدای وسوی پیغامبر بینی

الْمُنافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُوداً

منافقانرا دوری سوند از تو دورسدنی

فَكَيْفَ إِذا أَصابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِما

چگونه بود چون رسیدشان مصیبتی بدانچ

قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جاؤُكَ يَحْلِفُونَ

پیش فرستاد دستهاشان پس آمدند بتو سوگند خورند

بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنا إِلَّا إِحْساناً وَتَوْفِيقاً

بخدای که نخواستیم ما مگر نیکوی و توفیق

أُولئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ ما فِي

ایشان آنند که بداند خدای آنچ در

قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ

دلهاشان پس روی بگردان از ایشان و پند ده ایشانرا و بگو

لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلاً بَلِيغاً وَما

ایشانرا در تنهاشان گفتاری بلیغ و نه

أَرْسَلْنا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطاعَ بِإِذْنِ

فرستادیم ما از پیغامبری مگر تا فرمان برده آیند بفرمان

اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ

خدای و اگر ایشان چون ستم کردند بر تنهاشان

جاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ

آمدندی بتو و آمرزش خواستندی از خدای و آمرزش خواستی

لهم الرسول لوجدوا الله توابا

ایشانرا سغامبر یافتندی خدایرا توبه پذیر

رحيما ۞ فلا وربك لا يؤمنون

بخشاینده نه وبخدای تو بنگروند

حتى يحكموك فيما شجر بينهم ثم

تا حکم کنند ترا اندر آنچ افتد میان ایشان پس



لا يجدوا في أنفسهم حرجا مما

نه یابند در تنهاشان تنگی از آنچ

قضيت ويسلموا تسليما ۞ ولو أنا

تو حکم کنی وگردن نهند گردن نهادنی واگر ما

كتبنا عليهم أن اقتلوا أنفسكم

واجب کنیم برایشان که بکشید خویشتنهای شما

أو اخرجوا من دياركم ما فعلوه إلا

اگر بیرون شوید از سرایهای شما نه کردندی مگر

قليل منهم ولو أنهم فعلوا ما

اندکی از ایشان واگر ایشان کنند آنچ

يوعظون به لكان خيرا لهم وأشد

پند دهند بدان بودی بهتر ایشانرا وسخت‌تر

تثبيتا ۞ وإذا لآتيناهم من لدنا

استوار واکنون بدهیم ایشانرا از نزدیک ما

أجرا عظيما ۝ ولهديناهم صراطا

مزدی بزرگ وراه نمائیم ایشان را راهی

مستقيما ۝ ومن يطع الله والرسول

راست وهرک فرمان برد خدای را وپیغامبر را

فأولئك مع الذين أنعم الله عليهم

ایشان اند وا آنان که نعمت نهاد خدای برایشان

من النبيين والصديقين والشهداء

از پیغامبران وصدیقان وشهیدان

والصالحين وحسن أولئك رفيقا ۝

وپارسایان ونیکو اند ایشان یاران

ذلك الفضل من الله وكفى بالله

این فضل است از خدای وبسنده است خدای

عليما ۝ يا أيها الذين آمنوا خذوا 

دانا ای آنکسانی که بگرویدند بگیرید

حذركم فانفروا ثبات أو انفروا

حذر شما بیرون شوید گروه گروه یا بیرون شوید

جميعا ۝ وإن منكم لمن ليبطئن

همه وهست از شما آنک درنگ کند

فإن أصابتكم مصيبة قال قد أنعم

اگر رسد بشما اندوهی گوید که نعمت نهاد

اللّٰه عليّ اذ لم اكن معهم شهيدا

خداي بر من چون نبودم با ايشان حاضر

ولئن اصابكم فضل من اللّٰه ليقولنّ

واگر رسد شما را فضلي از خداي گويد

كان لم تكن بينكم وبينه مودّة

چنانكه نبود ميان شما وميان او دوستي

يا ليتني كنت معهم فافوز فوزا

اي كاشكي من بودمي با ايشان تا يافتمي يافتني

عظيما ۝ فليقاتل في سبيل اللّٰه

بزرگ كارزار كن در راه خداي

الّذين يشرون الحيوة الدنيا بالآخرة

آنكساني كه خريدند زندگاني اين جهاني بآن جهان

ومن يقاتل في سبيل اللّٰه فيقتل

وهركه كارزار كند در راه خداي بكشند او را

او يغلب فسوف نؤتيه اجرا عظيما

يا او غلبه كند زود بود كه بدهيم او را مزدي بزرگ

وما لكم لا تقاتلون في سبيل اللّٰه

وچه بود شما را كه كارزار نمي كنيد در راه خداي

والمستضعفين من الرجال والنساء

واز كار ناتوان شمردگان از مردان وزنان

والولدان الذين يقولون ربنا أخرجنا
وکودکان انان که میکویند خداوندا بیرون آر مارا
من هذه القرية الظالم أهلها واجعل
از این ده که ستمکارند اهلان وکن مارا
لنا من لدنك وليا واجعل لنا من
مارا از نزدیک تو دوستی وکن مارا از
لدنك نصيرا ۝ الذين آمنوا يقاتلون
نزدیک تو یاری آنانکه بگرویدند کارزار کنند
في سبيل الله والذين كفروا
در راه خدای وآنانکه کافر شدند

يقاتلون في سبيل الطاغوت فقاتلوا
کارزار کنند در راه دیو وبی راهی کارزار کنید
أولياء الشيطان إن كيد الشيطان
بادوستان دیو که مکر دیو
كان ضعيفا ۝ ألم تر إلى الذين
هست سست نه می بینی سوی آنانکه
قيل لهم كفوا أيديكم وأقيموا
گفتند آنانرا فرو دارید دستهاتان وبپای دارید
الصلوة وآتوا الزكوة فلما كتب
نمازرا وبدهید زکوه را چون واجب کردند

عليهم القتال اذا فريق منهم يخشون

برایشان کارزار چون گروهی از ایشان بترسند

الناس كخشية الله او اشد خشية

از مردمان چنانک بترسد از خدای یا سختتر از ترس

وقالوا ربنا لم كتبت علينا القتال

و گویند خداوندا چرا نبشتی بر ما کارزار

لولا اخرتنا الى اجل قريب قل

چرا نه بازپس داشتی ما را تا زمانی نزدیک بگوی

متاع الدنيا قليل والآخرة خير

برخورداری از جهان اندکست و آن جهان بهتر

لمن اتقى ولا تظلمون فتيلا

آنرا که بپرهیزد و ستم نکنند برایشان چندانک

اينما تكونوا يدرككم الموت

هر کجا باشید رسد بشما مرگ

ولو كنتم في بروج مشيدة وان

و اگر باشید در برجها برافراشته و اگر

تصبهم حسنة يقولوا هذه من

رسد بدیشان نیکوئی گویند این از

عند الله وان تصبهم سيئة

نزدیک خدایست و اگر رسد بدیشان بدی

يقولوا هذه من عندك قل كل من

گویند این از نزدیک توست گو همه از

عند الله فما لهؤلاء القوم لا

نزدیک خدایست چه بودست این گروه را که

يكادون يفقهون حديثا ما

خواهند که دریابند سخنی آنچ

اصابك من حسنة فمن الله وما

رسد بتو از نیکی از خدایست و آنچ

اصابك من سيئة فمن نفسك وارسلناك

رسد بتو از بدی از تن توست و فرستادیم ترا

للناس رسولا وكفى بالله شهيدا

مردمانرا پیغامبری و بسنده بود خدای گواهی

من يطع الرسول فقد اطاع الله

هر که فرمان برد پیغامبر را بدرستی که طاعت داشت خدایرا

ومن تولى فما ارسلناك عليهم

و هر که برگردد نه فرستادیم ترا برایشان



حفيظا ويقولون طاعة فاذا

نگاه دارنده و می گویند فرمان بریم چون

برزوا من عندك بيت طائفة

بیرون شوند از نزدیک تو شب کنند گروهی

مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ

از ایشان بر خلاف آن که می گوی و خدای می نویسد

مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ

آنچه به شب سگالند روی گرد از ایشان و توکل کن

عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ◦ أَفَلَا

بر خدای و بسنده است بخدای وکیل ما اندیشه

يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ

اندیشند در قرآن و اگر بودی از نزدیک

غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا

جز خدای یافتندی در آن خلاف

كَثِيرًا ◦ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ

بسیار و چون آید بدیشان کاری از ایمنی

أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ

یا ترس آشکارا کنند آن را و اگر باز بردندی آن را

إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ

با پیغامبر و با خداوندان فرمان

مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ

از ایشان بدانستندی آن را آنان که بیرون توانستندی آوردن علم آن باندیشه

مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

از ایشان و اگر نه فضل خدای بر شما

ورحمته لاتبعتم الشيطان الا قليلا ۝

ورحمت او پس روی کردی شما دیو را مگر اندکی

فقاتل في سبيل الله لا تكلف الا

کارزار کن در راه خدای ونه خواهند مگر

نفسك وحرض المؤمنين عسى الله

تن تو وبرانگیز گروندگان را تا مگر باشد خدای

ان يكف باس الذين كفروا والله

که بازدارد رنج آنان که کافر شدند وخدای

اشد باسا واشد تنكيلا ۝ من

سخت کننده تر است وسخت عقوبت تر هر که

يشفع شفاعة حسنة يكن له

شفاعت کند شفاعتی نیکو باشد او را

نصيب منها ومن يشفع شفاعة

بهره از آن وهرکه شفاعت کند شفاعت

سيئة يكن له كفل منها وكان الله

بد باشد او را نصیبی از آن وهست خدای



على كل شيء مقيتا ۝ واذا حييتم

بر همه چیز توانا وچون سلام کنند شما را

بتحية فحيوا باحسن منها او

بسلامی جواب دهید نیکوتر از آن یا

رُدُّوهَا إِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا
بازکرد اینرا که خدای بود بر همه چیز شماردار

اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ
خدای نیست خدای مگر او که جمع کند شما سوی روز

الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ
رستخیز نیست شک در آن وکیست راست‌گوتر

مِنَ اللّٰهِ حَدِيثًا ۝ فَمَا لَكُمْ فِي
از خدای سخن چیست کو شما در کار

الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللّٰهُ أَرْكَسَهُمْ
منافقان دو گروه شدی وخدای نگونسار کرد ایشان را

بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا
بدانچ کسب کردند می خواهید که راه نمایید

مَنْ أَضَلَّ اللّٰهُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَلَنْ
انرا که گم کرد اورا خدای و هرک راه نماید اورا خدای

تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ۝ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ
نیابی اورا راهی دوست داشتند اگر کافر شوید

كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا
چنانک کافر شدند تا باشید یکسان مگیرید

مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي
از ایشان دوستان تا هجرت کنند در

سبيل الله فان تولوا فخذوهم واقتلوهم

راه خداي اگر بر گردند بگيريد ايشانرا وبكشيد ايشانرا

حيث وجدتموهم ولا تتخذوا منهم

هرجا يابيد ايشانرا ومگيريد از ايشان

وليا ولا نصيرا ۝ الا الذين يصلون

دوستي ونه ياري مگر انانكه پيوندند

الى قوم بينكم وبينهم ميثاق او

با گروهي كه ميان شما وميان ايشان عهدست اگر

جاءوكم حصرت صدورهم ان

امدند بشما تنگ شده باشد دلهاي ايشان كه

يقاتلوكم او يقاتلوا قومهم ولو

حرب كنند با قوم شما يا حرب كنند با قوم خويش واگر

شاء الله لسلطهم عليكم فلقاتلوكم

خواهد خداي بر گمارد ايشانرا بر شما تا حرب كنند با شما

فان اعتزلوكم فلم يقاتلوكم والقوا

پس اگر دور شوند از شما وحرب نكنند با شما واوكنند

اليكم السلم فما جعل الله لكم

بشما صلح را نه كرد خداي شما را

عليهم سبيلا ۝ ستجدون آخرين 

بر ايشان راهي زود بود كه يابيد ديگران

يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ

ميخواهند كه ايمن دارند شمارا وايمن دارند قوم خويش را

كُلَّمَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا

همه گاه كه بازگردانند سوى فتنه نگونسار كرده شوند در آن

فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ

اگر بيكسو نشوند از شما وافكنند بشما

السَّلَمَ وَيَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ

صلح را و فرو دارند دستهاء خويش بگيريد ايشانرا

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَٰئِكُمْ

وبكشيد ايشانرا هرجا يابيد ايشانرا و ايشان اند

جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا

كرديم ما شمارا برايشان حجت آشكارا

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا

ونه باشد هيچ گرويده را كه بكشد گرويده را

إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً

مگر بخطا وهر كه بكشد گرويده را بخطا

فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ

آزاد كردن كردن گرويده وديه سپرده

إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ

بقوم او مگر كه صدقه كنند اگر باشد

مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ

از گروه دشمن شمارا ولو گرویده بود

فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ

آزاد کردن گردن گرونده واگر باشد

مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ

از گروهی که میان شما ومیان ایشان عهدی بود دیتی

مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ

سپرده بقوم او وآزاد کردن گردنی

مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ

گرونده اگر نیابد روزه داشتن

مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ

پیوسته توبه است از خدای وهست خدای

عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا

دانا حکیم وهرکه بکشد گرونده را

مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا

عمدا پاداش او دوزخ است جاوید

فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ

درانجا وخشم کرد خدای بر آنکس ودور کرد اورا

وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ۝ يَا أَيُّهَا

وساخت اورا عذاب بزرگ ای



الذين امنوا اذا ضربتم في سبيل

آنكسان كه بگرويدند چون برويد در راه

الله فتبينوا ولا تقولوا لمن القى

خداي پس پيدا كنيد ومگوئيد انرا كه افكند

اليكم السلم لست مؤمنا تبتغون

بشما صلح يا نيستي تو گرويده مي جويي

عرض الحيوة الدنيا فعند الله

كالاء ازجهان نزديك خدايست

مغانم كثيرة كذلك كنتم من قبل

غنيمت بسيار همچنين بوديد شما از پيش

فمن الله عليكم فتبينوا ان الله

منت نهاد خداي برشما پيدا كنيد كه خداي

كان بما تعملون خبيرا لا يستوي

هست بدانچ ميكنيد دانا نيست يكسان

القاعدون من المؤمنين غير اولي

آنكه نشستگان اند از گرويدگان بجز خداوند

الضرر والمجاهدون في سبيل الله

زيانها وجهادكنندگان در راه خداي

باموالهم وانفسهم فضل الله

بخواستها شان وتنها شان فزوني نهاد خداي

الْمجاهدين باموالهم وانفسهم على

القاعدين درجة وكلا وعد الله

الحسنى وفضل الله المجاهدين

على القاعدين اجرا عظيما ۝ درجات

منه ومغفرة ورحمة وكان الله

غفورا رحيما ۝ ان الذين توفيهم 

الملائكة ظالمي انفسهم قالوا

فيم كنتم قالوا كنا مستضعفين

في الارض قالوا الم تكن ارض

الله واسعة فتهاجروا فيها فاولئك

مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا
جای ایشان دوزخست وبدست جای ایشان

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ
مگر نبادکان از مردان

وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ
وزنان وکودکان که نتوانند

حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا
چاره کردنی وراه نیابند براهی

فَأُولَٰئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ
ایشان اند که مگر خدای عفو کند

عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا
از ایشان وهست خدای عفو کننده وآمرزنده

وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي
وهرکه هجرت کند در راه خدای یابد در

الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ
زمین جایگاههای بسیار وفراخی وهرکه

يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ
بیرون شود از خانه خویش هجرت کننده بسوی خدای

وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ
وبسوی رسول او پس دریابد اورا مرگ پس بدرستی

وقع اجره على الله وكان الله

كاافتد مزد او بر خداي وهست خداي



غفورا رحيما ۝ واذا ضربتم في

امرزنده مهربان وچون بروفيد اندر

الارض فليس عليكم جناح ان

زمين نيست برشما تنگي اگر

تقصروا من الصلوة ان خفتم ان

بكاهيد از نماز اگر ترسيد كه

يفتنكم الذين كفروا ان الكافرين

فتنه كنند شمارا انان كه كافر شدند كه كافران

كانوا لكم عدوا مبينا ۝ واذا كنت

هستند شمارا دشمن اشكارا وچون باشي

فيهم فاقمت لهم الصلوة فلتقم طايفة

درميان ايشان بپاي داري ايشانرا نماز برخيزندا گروهي

منهم معك وليأخذوا اسلحتهم

ازايشان باتو ونگاه داريدا سلاحهاايشان

فاذا سجدوا فليكونوا من ورايكم

چون سجده كنند باشندايشان از پس پشت شما

ولتات طايفة اخرى لم يصلوا

وبيايدا گروهي ديگر كه نماز نكردند

فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ
نماز کنید با تو و فرا گیرند حذر ایشان

وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ
و سلاحهای ایشان و خواهند آنان که کافر شوند اگر

تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ
غافل شوید از سلاحهای شما و کالاهای شما تا بر گردید

عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
بر شما یکرو کشتن و نیست تنگی بر شما

إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ
اگر باشد بشما رنجی از باران یا باشید

مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا
بیماران که بنهید سلاحهای شما و گیرید

حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا
حذر خویش که خدای ساخته است کافرانرا عذاب

مُهِينًا ۝ فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَوٰةَ فَاذْكُرُوا
خوار کننده چون بگزاردید نماز را یاد کنید

اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِكُمْ
خدایرا ایستاده و نشسته و بر پهلوهای شما

فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ
چون آرام گرفتید و امن شدید بپای داری نماز را

إِنَّ الصَّلوٰةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا
که نماز هست بر گروندگان واجب

مَوْقُوتًا وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ
وقت کرده وسست مشوید در جستن قوم

إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ
اگر هستید که رنج می یابید ایشان رنج می یابند

كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا
چنانکه شما رنج می یابید وامید می دارید از خدای انچ

يَرْجُونَ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا
امید می دارند وهست خدای دانا راست کار

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ
ما فرستادیم بتو قران براستی تا حکم کنی

بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللّٰهُ وَلَا تَكُنْ
میان مردمان بدانچ نمود ترا خدای ومباش



لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا وَاسْتَغْفِرِ اللّٰهَ
خیانت کنندگان را خصم وامرزش خواه از خدای

إِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا وَلَا تُجَادِلْ
که خدای هست امرزنده بخشاینده ومپیکار مکن

عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اللّٰهَ
از انکسان که خیانت کنند باتنهاء خویش که خدای

لا يحب من كان خوانا اثيما ۝ يستخفون

دوست ندارد انرا كه هست خيانت كننده بزه كار پنهان شوند

من الناس ولا يستخفون من الله

از مردمان ونه پنهان شوند از خداي

وهو معهم اذ يبيتون ما لا يرضى من

واو با ايشان است چون شب سكالش كنند انچه نپسندد از

القول وكان الله بما يعملون محيطا ۝

گفتار وهست خداي بدانچ مي كنند دانا

هانتم هؤلاء جادلتم عنهم في الحيوة

اي شما ايشان خصومت كرديد از ايشان در زندگاني

الدنيا فمن يجادل الله عنهم يوم

دنيا پس كه خصومت كند از ايشان روز

القيامة ام من يكون عليهم وكيلا ۝

قيامت يا كيست كه باشد برايشان وكيل

ومن يعمل سوءا او يظلم نفسه

وهر كه كند بدي يا ستم كند برتن خويش

ثم يستغفر الله يجد الله غفورا

پس امرزش خواهد از خداي يابد خداي را امرزنده

رحيما ۝ ومن يكسب اثما فانما

بخشاينده وهر كه كند بزه پس همينكه

يكسبه على نفسه وكان الله

كند آن بزه بر تن خويش وهست خداي

عليما حكيما ۝ ومن يكسب خطيئة او

دانا راست كار وهر كه كند بزي اگر

اثما ثم يرم به بريئا فقد احتمل بهتانا

بزه‌اي پس افكند آن گناه بر بيگناهي هر آينه كه برداشت گناهي

واثما مبينا ۝ ولولا فضل الله عليك

و بزه‌اي هويدا واگر نه فضل خداي استي بر تو

ورحمته لهمت طائفة منهم

و رحمت او انديشه كردند گروهي از ايشان

ان يضلوك وما يضلون الا انفسهم

كه بي راه كنند ترا و گم بي كنند مگر تنها خويشتن را

وما يضرونك من شيء وانزل الله

و گزند نمي كنند ترا هيچ و فرو فرستاد خداي

عليك الكتاب والحكمة وعلمك

بر تو قرآن و حكمت و درآموخت ترا

ما لم تكن تعلم وكان فضل الله

آنچه نبودي دانستي و هست فضل خداي

عليك عظيما ۝ لا خير في كثير

بر تو بزرگ نيست نيكي در بسياري

مِنْ نَجْوٰيهُمْ اِلَّا مَنْ اَمَرَ بِصَدَقَةٍ اَوْ
از رازکردن ایشان مگر انک بفرماید صدقه دادن یا

مَعْرُوفٍ اَوْ اِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ
نیکوی یا صلاح آوردن میان مردمان وهرک

يَفْعَلْ ذٰلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ
کند آنرا جستن رضای خدای

فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ اَجْرًا عَظِيمًا وَمَنْ
زود بود که دهیم اورا مزدی بزرگ وهرک

يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ
خلاف کند پیغامبر را از پس انک پیدا امد

لَهُ الْهُدٰى وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ
اورا راه راست وپیروی کند نه راه گرویدگان را

نُوَلِّهِ مَا تَوَلّٰى وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ
باوی گذاریم انچ درو رفت وبسوزیم اورا بدوزخ وبد



مَصِيرًا اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُشْرَكَ
جایگاهی است که خدای نیامرزد انرا که انباز گیرد

بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ
بدو وبیامرزد انچ فرود انست انرا که خواهد

وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا
وهرک انباز گیرد بخدای گمراه شد گمراهی

بعيدا ۝ إن يدعون من دونه إلا

دور — نه می‌خوانند — از — فرود او — مگر

إناثا وإن يدعون إلا شيطانا مريدا ۝

مادگانی — ونه می‌خوانند — مگر — دیو — گردن‌کش

لعنه الله وقال لأتخذن من عبادك

نفرین کرد او را خدای — وگفت — واگیرم — از — بندگان تو

نصيبا مفروضا ۝ ولأضلنهم

بهره — واجب کرده — وگمراه کنم ایشان را

ولأمنينهم ولآمرنهم فليبتكن

وآرزو دهانم ایشان هم — وفرمایم ایشان را — تا ببرند

آذان الأنعام ولآمرنهم فليغيرن

گوشها — چهارپایان — وفرمایم ایشان را — تا بگردانند

خلق الله ومن يتخذ الشيطان وليا

آفرینش — خدای — وهر که گیرد — دیو را — دوستی

من دون الله فقد خسر خسرانا

از — فرود — خدای — بدرستی که زیان کرد — زیان کردنی

مبينا ۝ يعدهم ويمنيهم وما

آشکارا — وعده میدهد ایشان را — وآرزو میدهد ایشان را — ونه



يعدهم الشيطان إلا غرورا ۝

وعده دهد ایشان را — دیو — مگر — فریفتنی

أولئك مأواهم جهنم ولا يجدون

آنان ایشان جای ایشان دوزخست ونیابند

عنها محيصا ۝ والذين آمنوا وعملوا

ازان بکشتن وآنان که بگرویدند وکردند

الصالحات سندخلهم جنات تجري

نیکها درآریم ایشانرا در بهشتها که رود

من تحتها الأنهار خالدين فيها أبدا

از زیران جویها جاویدانان دراجا همیشه

وعد الله حقا ومن أصدق من الله

وعده خدای درستست وکیست راستگوتر از خدای

قيلا ۝ ليس بأمانيكم ولا أماني

گفتار نیست بآرزوهاء شما ونه آرزوهای

أهل الكتاب من يعمل سوءا يجز به

اهل کتاب هرکه کند بدی پاداش دهند بدان

ولا يجد له من دون الله وليا ولا

ونه یابد اورا از فرود خدای دوستی ونه

نصيرا ۝ ومن يعمل من الصالحات

یاری وهرکه کند از نیکها

من ذكر أو أنثى وهو مؤمن فأولئك

از نر یا ماده واو گرویده بود ایشان

يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا

درشوند در بهشت وستم نکنند مقدار ایشان رشته را

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ

وکیست نیکوتر بدین ازانک گردن نهد وسپارد روی خود را خدای

وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا

واو نیکوکار وپس روی کند دین ابرهیم را پاک



وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ۝ وَلِلَّهِ

وگرفت خدای ابرهیم را دوست وخدایراست

مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ

آنچ در آسمانهاست وآنچ در زمینست وهست

اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطًا ۝ وَيَسْتَفْتُونَكَ

خدای بهمه چیز دانا فتوی می پرسند ترا

فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا

در زنان بگوی خدای فتوی دهد شمارا اندر ایشان وآنچ

يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ

می خوانند بر شما در کتاب در یتیمان زنان

اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ

ایشان که که ندهید ایشانرا آنچ واجب کرده اند ایشانرا

وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ

ورغبت نکنید که بزنی کنید ایشانرا وضعیفان

من الولدان وان تقوموا لليتامى

از كودكان بايستيد يتيمانرا

بالقسط وما تفعلوا من خير فان

بداد وهرچه كنيد از نيكى

الله كان به عليما ۝ وان امرأة خافت

خداى هست بدان دانا واگر زنى ترسد

من بعلها نشوزا او اعراضا فلا

از شوهر خويش ناسازى يا بركشتنى نيست

جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحا

بزه بر ايشان كه صلح كنند ميان ايشان صلح كردن

والصلح خير واحضرت الانفس الشح

وصلح بهتر بود وحاضر كرده اند تنهارا بخيلى

وان تحسنوا وتتقوا فان الله كان

واگر نيكى كنيد وبپرهيزيد خداى هست

بما تعملون خبيرا ۝ ولن تستطيعوا

بدانچه مى كنيد دانا ونه توانيد

ان تعدلوا بين النساء ولو حرصتم

كه داد كنيد ميان زنان واگر چه حرص نماييد

فلا تميلوا كل الميل فتذروها

مگرويد همه ميل كردنى تا بگذاريد آن زنانرا

كالمعلقة وإن تصلحوا وتتقوا فإن

چن اویخته را واگر صلاح کنید وپرهیزید همانا که

الله كان غفورا رحيما ۝ وإن

خدای هست آمرزنده بخشاینده واگر

يتفرقا يغن الله كلا من سعته وكان

از هم جدا شوند بی نیاز کند خدای همه را از فراخی وهست



الله واسعا حكيما ۝ ولله ما في

خدای فراخ کار دانا وخدای راست انچ در

السموات وما في الأرض ولقد

اسمانها وانچ در زمینست وهمانا که

وصينا الذين أوتوا الكتاب

وصیت کردیم انها را که دادند کتاب

من قبلكم وإياكم أن اتقوا الله

از پیش تو وشما را که بترسید از خدای

وإن تكفروا فإن لله ما في

واگر کافر شوید خدای راست انچ در

السموات وما في الأرض وكان

اسمانها وانچ در زمینست وهست

الله غنيا حميدا ۝ ولله ما في

خدای توانگر وبی نیاز ستوده وخدای راست انچ در

السموات وما في الارض وكفى
آسمانها واپچه در زمینست وبسنده است
بالله وكيلا ۝ ان يشا يذهبكم ايها
بخداي كاردان اگر خواهد ببرد شمارا اي
الناس ويات باخرين وكان الله
مردمان وآرد دیگرانرا وهست خداي
على ذلك قديرا ۝ من كان يريد ثواب
بر آن توانا هركه هست مي خواهد پاداش
الدنيا فعند الله ثواب الدنيا والاخرة
اين جهان نزديك خدايست پاداش اين جهان وان جهان

وكان الله سميعا بصيرا ۝ يا ايها
وهست خداي شنوا وبينا اي
الذين امنوا كونوا قوامين بالقسط
آنانكه بگرويدند باشيد ايستادگان بداد
شهداء لله ولو على انفسكم او
گواهان خدايرا واگر بر شما تنهاتان باشد اگرچه
الوالدين والاقربين ان يكن غنيا او
بر مادر وپدر شما ياخويشان اگر باشد توانگر يا
فقيرا فالله اولى بهما فلا تتبعوا
درويش خداي اولى تر است بدانشان پس پي هوا مرويد



الهوى ان تعدلوا وان تلوا او تعرضوا
که داد کنید واگر بگردید یا روی گردانید
فان الله كان بما تعملون خبيرا يا ايها
که خدای هست بانچه میکنید داناو آگاه ای
الذين امنوا امنوا بالله ورسوله
انان که بگرویدند بگروید بخدای وپیغامبر او
والكتاب الذي نزل على رسوله
وبدان کتابی که فرستادید بر پیغامبر او
والكتاب الذي انزل من قبل ومن
وبدان کتاب که فرستادید از پیش وهرکه

يكفر بالله وملائكته وكتبه
کافر شود بخدای وبفرشتگان او وبنامهای او
ورسله واليوم الاخر فقد ضل ضلالا
وپیغامبران او وروز واپسین بدرستی که گم شد گمراهی
بعيدا ان الذين امنوا ثم كفروا
دور که انان که بگرویدند پس کافر شدند
ثم امنوا ثم كفروا ثم ازدادوا كفرا
پس بگرویدند پس کافر شدند پس بیفزودند کافری
لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم
نیست خدای که بیامرزد انان را ونه راه نمایدشان

سبيلا ۝ بشر المنافقين بأن

راهی مژده منافقانرا بدانکه

لهم عذابا أليما ۝ الذين يتخذون

ایشانراست عذاب دردناک انانکه کیرند

الكافرين أولياء من دون المؤمنين

کافرانرا دوستان از فرود کرویدکان

أيبتغون عندهم العزة فإن العزة

بمی جویند نزدیک ایشان عزیزی ملایکی عزة

لله جميعا ۝ وقد نزل عليكم في

خدایراست همه وملایکی فرستاده بر شما اندر

الكتاب أن إذا سمعتم آيات الله

کتاب که چون بشنوید شما نشانهای خدای

يكفر بها ويستهزأ بها فلا تقعدوا

کافر شوند بدان وافسوس کنند بدان منشینید

معهم حتى يخوضوا في حديث غيره

با ایشان تا درشوند در حدیثی جزدان

إنكم إذا مثلهم إن الله جامع

که شما انگاه مانندان ایشان باشید که خدای جمع کننده

المنافقين والكافرين في جهنم

منافقان وکافرانست در دوزخ



جميعا الذين يتربصون بكم
همه آنان كه مى شما چشم مى دارند بشما

فان كان لكم فتح من الله قالوا ا
اگر باشد شما را فتحى از خداى گويند

لم نكن معكم وان كان للكافرين
نه ما بوديم با شما و اگر باشد كافران را

نصيب قالوا الم نستحوذ عليكم
بهره گويند نه غلبه كرديم بر شما

ونمنعكم من المومنين فالله يحكم
و باز داشتيم شان از مومنان خداى داورى كند

بينكم يوم القيامة ولن يجعل
ميان شما روز قيامت و نه كرد

الله للكافرين على المومنين سبيلا
خداى كافران را بر گروندگان راهى

ان المنافقين يخادعون الله وهو
كه منافقان مى خواهند كه فريب دهند خداى را و او

خادعهم واذا قاموا الى الصلوة
فريبنده ايشانست و چون برخيزند سوى نماز

قاموا كسالى يراون الناس ولا
برخيزند كاهلان مى نمايند مردمان را و نه

يذكرون الله الا قليلا مذبذبين

ياد كنند خدايرا مگر اندك اندرمان ارزوان

بين ذلك لا الى هؤلاء ولا الى هؤلاء

نه با اينها ونه با اينها

ومن يضلل الله فلن تجد له سبيلا

وهر كرا بيراه كرد خداي نه يابي اورا راهي

يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا الكافرين

اي انان كه بگرويده ايد مگيريد كافرانرا

اولياء من دون المؤمنين اتريدون

دوستان از فرود گرويدگان مى خواهيد

ان تجعلوا لله عليكم سلطانا مبينا

كه كنيد خدايرا برشما حجتي اشكارا

ان المنافقين في الدرك الاسفل

كه منافقان به درك فرودتر



من النار ولن تجد لهم نصيرا

از اتش اند ونه يابي ايشانرا يار

الا الذين تابوا واصلحوا واعتصموا

مگر انان كه توبه كردند وسامان سازند وچنگ در زنند در خداي زنند

بالله واخلصوا دينهم لله فاولئك

وويژه كردند دين خويش خدايرا ايشان اند

مع المؤمنين وسوف يؤتي الله
با گروندگان وزود بود كه بدهد خداي
المؤمنين اجرا عظيما ما يفعل
گروندگانرا مزد بزرگ چه کند
الله بعذابكم ان شكرتم وآمنتم
خداي بعذاب شما اگر شکر کنید وبگروید
وكان الله شاكرا عليما
وهست خداي شاكر ودانا

الحمد الله الجهر

الحمد الله الجهر

٥

الخامس والعشرون

بیست و پنجم

٤٨ ورق است